

خشونت خانگی از وطن به همراه ما مهاجرت می کند



عکس: Minnesota Historical

مددکار اجتماعی - مژگان میر اشرافی

سارا اهل کشور سوریه است. او به همراه همسرش که اهل کشور مراکش است حدود ۵ سال است که به آمریکا مهاجرت کرده است. « داشته، پیش نرفته است. او سال ها است که از بدو مهاجرت تا به آرزو و انتظارش را از مهاجرت به آمریکا زندگی برای سارا آن طور که و عدم همکاری حال تحت خشونت خانگی توسط همسرش قرار گرفته است. او کتک می خورد، به دلیل نگهداری از دو فرزندش شوهرش نمی تواند از برنامه های آموزش زبان انگلیسی بهره بگیرد. در طی این ۵ سال گذشته بارها و بارها توسط شوهرش تهدید به مرگ شده است و از نظر مالی در مضیقه قرار گرفته است. او یک بار خانه را ترک کرده و به پناهگاه زنان رفته است، اما شوهرش بار دیگر با التماس و قول به اینکه رفتار خود را تغییر خواهد داد او را به خانه بازگردانده است. این بار سارا دیگر نگران تامین امنیت فرزندانش است. «کمک نموده است. با وجود تمام محدودیت هایش این بار از یک انجمن زنان عرب زبان درخواست

خشونت خانگی اثرات زیان بار عاطفی و روانی بسیاری را بر روی تمامی زنان چه به عنوان شهروندان یک کشور، مهاجر و یا پناهنده دارد. تمامی قربانیان و کسانی که از بند خشونت خانگی نجات یافته اند با احساس فقدان اعتماد نسبت به انسانی مواجه شده اند که زمانی بیشترین اعتماد و اطمینان را نسبت به او داشته اند.

مطالعات زیادی که در ایالات متحده آمریکا در ارتباط با خشونت خانگی بر علیه زنان انجام شده است، نشان می دهد که وابستگی اقتصادی به شوهر و گاهی در هم تنیدن سرنوشت زن به مرد در دریافت اقامت و ویزا در کشور جدید از عمده ترین مسائلی هستند که زنان مهاجر را مجبور می کند با اکراه در رابطه خشونت آمیز باقی بمانند.

گاهی آزارگران، زنان را در خانه با ابزار پول به کنترل خود در می آورند. آنان از پرداخت هزینه خوراک و لباس و یا حمایت مالی کودکانشان سرباز می زنند و زن را مجبور می کنند، به صورت غیرقانونی به کار مشغول شود. در مواردی شوهران بدون اجازه از پولی که زن برای حمایت و وابستگی در زادگاهش پس انداز کرده است، برداشت می کنند.

اولین بار نیست که پدر، زهرا و فاطمه را با کمر بندش تنبیه می کند. مادر این بار تلاش کرده است که جلوی کتک خوردن دختران را بگیرد اما او خود نیز قربانی ضربه های شلاق همسرش گشته است. خانواده آنها ۶ ماه است که از عراق به آمریکا مهاجرت کرده اند. دختران می گویند پدر همواره از کمر بندش به عنوان ابزاری برای تنبیه دختران و مادر، در خانه استفاده کرده است. آنها می گویند که می اجازه تنبیه بدنی آنها را ندارد اما آنها نمی خواهند که این موارد را گزارش کنند و از اینکه پلیس آنها "دانند که در کشور جدید، پدر قانوناً «را از خانواده جدا کند، می ترسند.

پژوهش ها نشان می دهد که زن مهاجر به علت ابهام در حضانت کودک و یا پس زمینه های فرهنگی از گزارش خشونت و یا درخواست جدایی خودداری می کند. بسیاری از زنان، از آنکه دستگیری پدر به علت آزار و اذیت در خانه ممکن اثرات منفی روحی و روانی بر روی فرزندانشان داشته باشد، از گزارش آزار سرباز می زنند. شماری از آنان ترجیح می دهند در کنار آزارگر خود سر کنند تا آنکه کودک خود را از وجود یک والد محروم کنند. زنان مهاجر از آنکه بعد از جدایی و یا ترک خانه ممکن است مرد حضانت کودک را از آنان بگیرد و یا با گزارش و یا خانه تصور که مرد وضعیت اقامت محکمی نسبت به او دارد در نتیجه حضانت کودک به او می رسد، از آنکه خشونت را این را ترک کنند، می ترسند.

آرزو همراه همسرش و پسر ۲ ساله شان حدود یک سال است از ایران به آمریکا آمده اند. هنگامی که پس از چندی آرزو متوجه خیانت « همسرش می شود و از او توضیح می خواهد، شوهر با تحقیر اندام و روحیات او در مقایسه با زنان آمریکایی به او گفته است اگر می خواهد در آمریکا بماند باید همین وضعیت را تحمل کند و همچنان وظایف زناشویی را نسبت به او انجام دهد؛ چراکه وضعیت اقامتش در این

کشور وابسته به او است و اگرهم آرزو نخواهد این وضعیت را تحمل کند باید بدون پسرش به ایران بازگردد. در ضمن شوهر هیچ مسئولیت مالی را در قبال آرزو نمی پذیرد زیرا باور دارد به آرزو لطف کرده که از او جدا نمی شود. آرزو می گوید که همسرش به او گفته است که در حال حاضر تنها نقش او در این زندگی مادری است و نمی تواند به کلاس زبان برود و می بایست در خانه مانده و از پسرشان نگهداری کند.»

مسئله مهم دیگری که زنان مهاجر در معرض خشونت خانگی با آن روبرو هستند، مسئله یادگیری زبان انگلیسی است. یادگیری زبان جدید برای تمامی مهاجرین در کشور تازه یک چالش اساسی می باشد. اما زنانی که در معرض خشونت خانگی هستند برای یادگیری زبان آنان را بیشتر در معرض خشونت جدید نسبت به سایر مهاجرین، با محدودیت های بیشتری دست به گریبان هستند. چنانچه خود عامل زبان قرار می دهد و یا ابزاری می شود که فرد آزارگر آنان را تحت کنترل خود قرار دهد. بسیاری از زنان به علت ندانستن زبان از دسترسی به منابع حمایتی و اجتماعی باز می مانند چراکه آزارگر از معرفی این منابع مانند کلاس های آموزشی زبان به آنان خودداری می کند. در نتیجه بسیاری از این دسته از زنان هر روز در معرض انزوای بیشتر اجتماعی و در نتیجه آن خشونت بیشتر و افسردگی قرار می گیرند.

نتایج مطالعات در این زمینه نشان داده است که حتی بسیاری از زنان مهاجری که تصمیم به گزارش خشونت گرفته اند از ترس آنکه نتوانند بعلت ندانستن زبان با پلیس صحبت کنند و یا کسی حرف آنان را به عنوان مهاجر باور نکند، از زنگ زدن به پلیس خودداری می کنند و یا می ترسند.

بسیاری زنان کتک خورده ای که در خانه با خشونت مواجه می باشند در اولین اقدام از خانواده و یا دوستان نزدیک خود تقاضای کمک می کنند. اما زنان مهاجر با توجه به آنکه شبکه حمایتی چندانی را در اطراف خود ندارند و یا از فامیل و اقوام خود بسیار دور می باشند از تقاضای کمک ممکن خودداری کنند. بسیاری از آنان از اینکه دوستان تازه شان متوجه خشونت خانگی بشوند بسیار خجالت زده می باشند و می خواهند به هر ترتیبی شده است این مسئله را در خفا نگه دارند. در بسیاری از موارد به علت آنکه شخص آزارگر چهره اجتماعی بسیار موجهی را از خود در میان اطرافیان به نمایش گذاشته است، زنان از آنکه مورد قضاوت واقع شوند و یا آنکه کسی حرف آنان را باور نکنند، می ترسند.

قربانی خشونت خانگی با چالش های فراوانی نسبت به سایر زنان در معرض خشونت بدلیل مهاجرت روبرو است. با زن مهاجر به عنوان آنکه زندگی در کشوری با قوانین حمایتی از کودکان و زنان می تواند نقطه اتکای قابل ملاحظه ای برای زنان در معرض خشونت خانگی باشد. اما زن مهاجر به دلایل بسیاری با مشکلات فراوانی در محیط زندگی جدید برای مواجه با خشونت خانگی مواجه می باشد و نیازمند حمایت و توجه زیادی بطور اخص از طرف اجتماع فرهنگی خود است.

منابع:

- The Facts on Immigrant Women and Domestic Violence

<http://goo.gl/jHJdAA>

- Domestic Violence among Immigrants

<http://goo.gl/J7RXHE>